

بررسی مقایسه‌ای عزت‌نفس و خودپنداره در زنان شاغل و غیر شاغل شهر خرم‌آباد

فاطمه ترکاشوند^۱، فرانک ترکاشوند^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌سنجی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد بروجرد، لرستان، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هفتم، شماره پنجاه و پنجم، سال ۱۴۰۱، صفحات ۱۶۱-۱۵۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹

چکیده

با شروع انقلاب صنعتی، نقش‌های سنتی زنان تا حدودی دگرگون شد، به گونه‌ای که به جای کار صرفاً خانگی، بخش عمده‌ای از زندگی آن‌ها صرف فعالیت‌های بیرون از خانه گشت. مهم‌ترین مسئله‌ای که برای زنان شاغل امروز وجود دارد، چگونگی ایفای نقش‌های سنتی و هماهنگی این نقش‌ها با نقشی است که مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در دنیای امروز ایجاد می‌کند. حل مشکلات زنان شاغل ادارات نیازمند تصحیح نگرش سنتی نسبت به زنان بر اساس دیدگاه الهی و انسانی بر مبنای عدالت اجتماعی است. به نظر می‌رسد عزت‌نفس و خودپنداره، از عوامل مهم و مؤثر در ارتباط با رویارویی زنان با مشکلات شغلی و توانایی در برقراری هماهنگی وظایف مربوط به کار و خانواده است. پژوهش حاضر باهدف کلی مقایسه میانگین‌های عزت‌نفس و خودپنداره در زنان شاغل و غیر شاغل انجام شده است. نمونه مورد مطالعه برابر با ۶۰ نفر در نظر گرفته شد. تعداد زنان شاغل ۳۰ نفر و تعداد زنان غیر شاغل نیز ۳۰ نفر در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش شامل: پرسشنامه عزت‌نفس آیزنگ و پرسشنامه خودپنداره بک است. برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از آزمون t مربوط به ۲ گروه مستقل استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که: بین زنان شاغل و غیر شاغل در عزت‌نفس تفاوت وجود داشت، لذا فرضیه اول تأیید شد؛ یعنی زنان شاغل به دلیل حضور در اجتماع و کسب درآمد، می‌توانند از عزت‌نفس بالاتری نسبت به زنان خانه‌دار برخوردار باشند؛ اما در ارتباط با فرضیه دوم بین دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل در خودپنداره تفاوت معناداری وجود نداشت. لذا فرضیه دوم تأیید نشد؛ یعنی خودپنداره در همه‌ی افراد اعم از افراد با موقعیت اقتصادی، اجتماعی و... بالا یا موقعیت‌های پایین می‌تواند وجود داشته باشد.

کلیدواژه: زنان شاغل، عزت‌نفس، خودپنداره.

مقدمه

حیات انسان در جامعه باکار عجین شده است. جامعه انسانی متشکل از زنان و مردانی است که در روابط متقابل اجتماعی قرار گرفته است و هر یک از دو جنس، در عین وابستگی متقابل به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را برعهده گرفته‌اند. بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در پیشرفت و توسعه جامعه دارند و استراتژی‌های یک جامعه توسعه‌یافته بایستی حتماً بر مبنای مشارکت فعال هر چه فعال‌تر بانوان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طراحی گردد (توسلی، ۱۳۹۳).

وقتی زنان نقش‌های زنانه را کنار می‌گذارند و فعالانه در زندگی اجتماعی شرکت می‌کنند، نه تنها از طریق سیستم اجتماعی تشویق نمی‌شوند، بلکه در داخل جامعه زنان نیز مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. زنان شاغل اغلب از نظر جسمی و روحی خسته هستند (رابینز، ۱۳۹۲).

عزت نفس یکی از خصوصیات روان‌شناختی زنان شاغل است که ممکن است به دلیل شرایط خاص آن‌ها با زنان غیر شاغل متفاوت باشد. بی‌تردید یکی از دلایل مهم توجه پژوهشگران به مفهوم عزت نفس، تأثیر بالقوه آن بر سلامت است. عزت نفس عامل روان‌شناختی مهم و اثرگذار بر سلامت و کیفیت زندگی به شمار می‌رود. پژوهش‌هایی که به مطالعه تأثیر عزت نفس اختصاص یافته آشکار ساخته‌اند که عزت نفس آسیب‌دیده تحمل شرایط دشواری را که افراد خواهندخواه در زندگی روزمره یا محیط کار با آن مواجه می‌شوند، غیرممکن می‌سازد و برای آن‌ها پیامدهای روانی و جسمانی زیان‌آوری به بار می‌آورد و عواقبی همچون جدا افتادن فرد از ایفای نقش بهنجار در محیط خانه و کار، به دنبال دارد (جهانبخش و همکاران، ۲۰۱۵). جوزفیاک و همکاران (۲۰۱۸)، معتقدند متغیرهای اعتماد به نفس، پذیرش اجتماعی و ظاهر فیزیکی، به طور قابل توجهی در افزایش کیفیت زندگی مؤثر است. این حوزه‌های عزت نفس می‌تواند اهداف مداخله برای بهبود کیفیت زندگی در افراد را ترسیم کند. همچنین، سویتاج و همکاران (۲۰۱۷)، معتقدند عزت نفس منبع شخصی است که باید به‌عنوان هدف بالقوه مداخلات در نظر گرفته شود تا از عواقب مضر و ناخوشایند کاهش کیفیت زندگی افراد جلوگیری شود.

خودپنداره نیز، یکی دیگر از خصوصیات روان‌شناختی زنان شاغل است که ممکن است به دلیل شرایط خاص آن‌ها با زنان غیر شاغل متفاوت باشد. خودپنداره نه تنها نقش فوق‌العاده‌ای بر عزت نفس دارد، بلکه اهمیت زیادی هم در سلامت روانی فرد دارد. رویدادهای روزانه منجر به تغییر در خودپنداره می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وضعیت سلامتی، نظیر وضعیت روانی-اجتماعی، غمگین بودن و احساسات منفی، بر خودپنداره تأثیر دارد. همچنین پژوهش‌هایی در ارتباط با کودکان و نوجوانان با اختلال دید، نشان داده است که احساسات مثبت، استقلال، سبک‌های فرزند پروری، حمایت اجتماعی و دوستی‌ها نقش مؤثری در افزایش خودپنداره دارند (الم، ۲۰۱۷). در دانشگاه بارسلونا پژوهشی انجام گرفت که نشان داد خودپنداره به‌عنوان یک عامل مهم برای هر فرد مورد توجه قرار گرفته و می‌تواند باور، نگرش و واکنش به زندگی شخصی و اجتماعی را در افراد تغییر دهد. علاوه بر این، خودپنداره نقش مهمی در پیشرفت فرد دارد و باید مورد توجه و حمایت قرار گیرد (مهرا، ۲۰۱۸). یکی از عمومی‌ترین مسائل زنان در مشاغل مهم این است که افراد چگونه می‌توانند مسئولیت‌های خانوادگی را با کار شدید، دقیق و خسته‌کننده تطبیق دهند. با شروع انقلاب صنعتی، نقش‌های سنتی زنان تا حدودی دگرگون شد، به‌گونه‌ای که به‌جای کار صرفاً خانگی، بخش عمده‌ای از زندگی آن‌ها

صرف فعالیت‌های بیرون از خانه گشت. امروزه، زنان می‌دانند که پس از سپری کردن آخرین ساعات کار، نقش‌های سنتی و خانه‌داری در انتظارشان است، نقش‌هایی چون فرزند داری، همسر داری و... پژوهش‌های متعدد در سراسر جهان نشان می‌دهد که زنان همواره در فعالیت‌های درون و بیرون منزل با تضاد و تعارض نقش روبه‌رو هستند (مقصودی و بستان، ۱۳۸۳).

به نظر می‌رسد که در درجه اول این خودزنان هستند که باید با توجه به مشکلاتی که برایشان ملموس و عینی است، راهکارهای مناسب برای حل این مشکلات و یا لاقط کم کردن آن‌ها، ارائه دهند. مهم‌ترین مسئله‌ای که برای زنان شاغل امروز وجود دارد، چگونگی ایفای نقش‌های سنتی و هماهنگی این نقش‌ها با نقشی است که مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در دنیای امروز ایجاد می‌کند. حل مشکلات زنان شاغل ادارات نیازمند تصحیح نگرش سنتی نسبت به زنان بر اساس دیدگاه الهی و انسانی بر مبنای عدالت اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۹۲).

یکی از عوامل مهمی که شخص را وامی‌دارد که به‌گونه‌ای مؤثر عمل نماید و در کارهایش جدیت و پشتکار داشته باشد، عزت‌نفس است. فردی که از عزت‌نفس پایین‌تری برخوردار است، خیلی راحت‌تر از اهداف خود چشم‌پوشی کرده و بسیار آسان‌تر در جهتی که دیگران برای او برمی‌گزینند پا می‌گذارد (الیس، ۱۹۸۹؛ به نقل از یارمحمدیان، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با عزت‌نفس و ارتباط آن با اشتغال زنان انجام شده است. از آن جمله: حیاتی و شریفی (۱۳۹۵)، معتقدند زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از عزت‌نفس بالاتری نسبت به زنان غیر شاغل برخوردارند. فرهمند و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از سلامت اجتماعی بالاتری برخوردارند. اکرم (۲۰۱۷)، معتقد است که بین زنان شاغل و غیر شاغل در عزت‌نفس و بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معنادار وجود دارد. آگراوال و ریواستاوا (۲۰۱۶)، معتقدند که از نظر بلوغ عاطفی و عزت‌نفس بین زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنادار وجود دارد. در متغیر عزت‌نفس، زنان خانه‌دار میانگین بالاتری از زنان شاغل داشتند، اما در متغیر بلوغ عاطفی زنان شاغل میانگین بالاتری از خانه‌دار داشتند.

همچنین خودپنداره نیز، تصویر روانی هر فرد و شامل ادراکات فرد (ظواهر، ارزش‌ها و عقاید) است که بر رفتار فرد تأثیر داشته و به زمانی که فرد از کلمه "من" استفاده می‌کند، اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، خودپنداره دیدگاه کلی فرد نسبت به خود است و دربرگیرنده همه نقاط مثبت و ضعف فرد است (صفوی و همکاران، ۱۳۹۲). در جوانی افرادی که خودپنداره بالاتری دارند، در محیط‌های اجتماعی شادتر از دیگران هستند (مردین اوگر، ۲۰۱۸).

با توجه به موارد ذکر شده و نیز با توجه به کمبودها و خلأهای پژوهشی نظیر عدم انجام پژوهش علمی با موضوع متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش، بخصوص در ارتباط با زنان شاغل که غیر از محیط کار، وظایف سنگینی در ارتباط با خانواده نیز دارند، انجام پژوهش‌هایی در ارتباط با تأثیر شاغل بودن زنان در میزان عزت‌نفس و خودپنداره، در زنان شاغل، ضروری به نظر می‌رسد. لذا این پژوهش باهدف مقایسه عزت‌نفس و خودپنداره زنان شاغل و غیر شاغل به بررسی این متغیرها به صورت همزمان می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش حاضر یافتن پاسخ برای این سؤال اصلی است که آیا بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل در عزت‌نفس و خودپنداره تفاوت وجود دارد؟ به همین منظور پژوهش حاضر به بررسی متغیرهای ذکر شده و رابطه آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی- از نوع مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان شاغل در ادارات (مطالعه موردی: سازمان بهزیستی) و زنان غیر شاغل شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۷ (به تعداد ۱۰۰ نفر شاغل و ۱۰۰ نفر غیر شاغل) است. نمونه مورد مطالعه برابر با ۶۰ نفر در نظر گرفته شد. تعداد زنان شاغل ۳۰ نفر و تعداد زنان غیر شاغل نیز ۳۰ نفر در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی بهره گرفته شد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t مربوط به ۲ گروه مستقل استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه عزت نفس: این پرسشنامه حاصل کوشش‌های آیزنک (۱۹۷۶، به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۳)، برای بررسی شخصیت است و سوالات آن برگرفته از سوالات ناستواری هیجانی است. هدف آن سنجش میزان عزت نفس است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال است که آزمودنی باید برای هر یک از سوالات پاسخ بلی، خیر یا نمی‌دانم (علامت سؤال) را علامت بزند. پورکیانی و گروهی چمن (۱۳۹۳)، ضریب روایی (محتوا) و پایایی پرسشنامه عزت نفس آیزنک را به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۲ محاسبه کردند. در پژوهش حاضر نیز، پایایی ابزار فوق با محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه خودپنداره: این آزمون توسط بک (۱۹۷۸، به نقل از صفرزاده و مرعشیان، ۱۳۹۳)، ساخته شده است. دارای ۲۶ ماده است و هر ماده ۵ گزینه دارد که فرد باید خصایص خودش را با دیگران درجه‌بندی کند. ماده‌های این آزمون در واقع یک صفت یا خصوصیتی را مطرح می‌کند که آزمودنی باید در این صفت خودش را با دیگران مقایسه کند. صفرزاده و مرعشیان، (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه خودپنداره بک را از روش همسانی درونی ۰/۸۰ و با روش بازآزمایی ۰/۸۸ به دست آوردند. همچنین، روایی محتوای آزمون نیز در روش همزمان ۰/۵۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز، پایایی ابزار فوق با محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱، آزمون t مقایسه زنان شاغل و غیر شاغل در عزت نفس

	آزمون لوین برای یکسانی واریانس‌ها		آزمون t						
	مقدار F	سطح معناداری	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت فاصله اطمینان ۹۵٪	
								حد بالا	حد پایین
عزت نفس	۴۵۰	۵۰۵	۲,۵۳۳	۵۸	۰۱۴	۳,۳۶۷	۱,۳۲۹	۷۰۶	۶,۰۲۷
			۲,۵۳۳	۵۶,۵۲۲	۰۱۴	۳,۳۶۷	۱,۳۲۹	۷۰۵	۶,۰۲۹

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول، می‌توان دریافت که بر اساس مقدار sig که کمتر از ۰/۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود؛ یعنی عزت نفس در بین دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنادار دارد.

در مورد جهت آن باید بیان کرد که: چون حد بالا و پایین هر دو مثبت هستند، بنابراین میانگین گروه اول یعنی زنان شاغل بزرگ‌تر از میانگین گروه دوم یعنی زنان غیر شاغل است. لذا فرض اول مبنی بر اینکه «بین عزت‌نفس زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت وجود دارد»، تأیید می‌شود.

جدول ۲، آزمون t مقایسه زنان شاغل و غیر شاغل در خودپنداره.

	آزمون لوین برای یکسانی واریانس‌ها		آزمون t						
	مقدار F	سطح معنادار ی	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت فاصله اطمینان ۹۵٪	
								حد بالا	حد پایین
خودپنداره	.۱۸۰	.۶۷۳	.۷۸۱	۵۸	.۴۳۸	۱,۷۳۳	۲,۲۲۰	-۲,۷۱۱	۶,۱۷۸
			.۷۸۱	۵۷,۹۸۰	.۴۳۸	۱,۷۳۳	۲,۲۲۰	-۲,۷۱۱	۶,۱۷۸

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول، می‌توان دریافت که بر اساس مقدار sig که بیشتر از ۰/۰۵، (برابر با ۰/۴۳۸) است در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض H0 تأیید و فرض H1 رد می‌شود؛ یعنی بین دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل در خودپنداره تفاوت معناداری وجود ندارد. لذا فرضیه دوم مبنی بر اینکه «بین خودپنداره زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت وجود دارد»، تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در ارتباط با فرضیه اول یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های ذیل همخوانی دارد: حیاتی و شریفی (۱۳۹۵)، دریافتند که زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از عزت‌نفس بالاتری نسبت به زنان غیر شاغل برخوردارند. فرهمند و همکاران (۱۳۹۵)، نشان دادند که متغیرهای مهارت‌های ارتباطی، عزت‌نفس و قدرت تصمیم‌گیری با سلامت اجتماعی زنان شاغل و خانه‌دار رابطه‌ای معنادار دارد. رضایی (۱۳۸۹)، دریافت که بین عزت‌نفس زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد و زنان غیر شاغل وضعیت بهتری از زنان شاغل دارند. زاب (۲۰۱۶)، در پژوهشی دریافت که بین دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل در عزت‌نفس تفاوت معنادار وجود دارد. مازلو در سلسله‌مراتب نیازها و در سطح سوم احترام به خود یا عزت‌نفس را قرار می‌دهد که مشتمل بر تمایل به شایستگی، چیرگی، پیشرفت، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی است (بیگدلو و میرزایی، ۱۳۹۵). راجرز عزت‌نفس را ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویش خود و یا نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی خود تعریف کرده است. او معتقد است این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زودگذر نیست (بیگدلو و میرزایی، ۱۳۹۵). کوپر اسمیت عزت‌نفس را یک ارزشیابی فردی می‌داند که عموماً با توجه به خویشتن حفظ می‌شود (احمدی و سازواری، ۱۳۹۵). فروید اعتقاد داشت که ارضاء یا محرومیت بیش‌ازحد در هر یک از مراحل رشد روانی جنسی و یا به‌عبارت‌دیگر تثبیت در هر یک از این مراحل در عزت‌نفس فرد تأثیر دارد (امیری و سعادی، ۱۳۹۵). به عقیده الیس عزت‌نفس و اعتماد به خود بر اساس پیشرفت‌ها و دستاوردهای شخصی در فرد به وجود می‌آید؛ یعنی وقتی فرد کارهایش را به‌خوبی انجام می‌دهد در نتیجه آن عزت‌نفس بیشتری را پیدا می‌کند. (احمدی و سازواری، ۱۳۹۵). مید، معتقد است که عزت‌نفس بر اثر انعکاس ارزیابی دیگران، به وجود می‌آید و این اجتماع است که برای

افراد معیارهای زندگی را تعیین می‌کند و از طرفی نظریات دیگران در شخص درونی می‌شود و عزت نفس او را شکل می‌دهد (به نقل از بیگدلو و میرزایی، ۱۳۹۵). با توجه به موارد ذکر شده، زنان شاغل به دلیل حضور در اجتماع و کسب درآمد، می‌توانند از عزت نفس بالاتری نسبت به زنان خانه‌دار برخوردار باشند. همچنین زنان شاغل ارزیابی بهتری نسبت به خود داشته و پیشرفت‌ها و دستاوردهای شخصی بیشتری نسبت به زنان خانه‌دار کسب می‌کنند. همچنین به‌طور معمول تصور می‌کنند که دیگران نگرش مثبتی نسبت به آنان دارند. در پژوهش حاضر نیز، بین زنان شاغل و غیر شاغل از نظر عزت نفس تفاوت معنادار مشاهده شد. لذا نظریه‌های پیشین، فرضیه حاضر را تأیید می‌کنند.

فرضیه دوم مبنی بر اینکه " بین خودپنداره زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت وجود دارد ". مورد تأیید قرار نگرفته و بین میانگین‌های زنان شاغل و خانه‌دار، در خودپنداره تفاوت معناداری مشاهده نشد. در ارتباط با فرضیه دوم یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های ذیل همخوانی دارد: خدابخش کولایی و همکاران (۱۳۹۳)، در دریافت که بین دو گروه از زنان نمونه پژوهش تفاوت معناداری در خودپنداره وجود دارد و با توجه به میانگین‌ها ملاحظه می‌شود که زنان شاغل خودپنداره مثبت‌تری نسبت به زنان غیر شاغل دارند. رضایی و چراغی (۱۳۹۰)، در ارتباط با تفاوت خودپنداره در زنان شاغل و غیر شاغل به عدم تفاوت آن‌ها در خودپنداره دست یافتند. مکیول (۲۰۱۴)، در پژوهشی به نتایج ذیل دست یافت: در خودپنداره کلی بین زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین تفاوت معناداری در بعضی ابعاد خودپنداره مانند سلامتی وجود نداشت. خودپنداره ارزیابی کلی فرد از شخصیت خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی‌های ذهنی فرد از ویژگی‌های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد (نعامی و همکاران، ۱۳۹۵). خود پنداره تصویری است که ما از خودمان داریم. این تصویر به طرق مختلفی توسعه می‌یابد اما به طور خاص تحت تأثیر تعاملات ما با افراد مهم در زندگی ما قرار دارد (چری، ۲۰۱۸). راجرز خودپنداره را متأثر از تعامل فرد با محیط و هماهنگی و ثبات خویشتن می‌داند. کوپر اسمیت معتقد است خودپنداره به جنبه‌های جسمانی، عقلانی و روانی فرد مربوط می‌شود (به نقل از کرامتی و پاینده فر، ۱۳۹۵). اریکسون نیز معتقد است که رشد انسان از یک سلسله مراحل و وقایع روانی - اجتماعی شروع شده و شخصیت انسان تابع نتایج آن‌هاست (ملیحی الذاکرنی و همکاران، ۱۳۹۳). آدلر نیز، انسان را ذاتاً موجودی اجتماعی، خلاق و هدف‌دار می‌داند (شولتز و شولتز، ۲۰۰۵؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، خودپنداره در همه‌ی افراد اعم از افراد با موقعیت اقتصادی، اجتماعی و... بالا یا موقعیت‌های پایین می‌تواند وجود داشته باشد. در پژوهش حاضر نیز، بین خودپنداره در زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری مشاهده نشد؛ یعنی زنان شاغل و غیر شاغل تقریباً به یک‌میزان از خودپنداره برخوردار بوده‌اند؛ اما به نظر مازلو انگیزه آدمی به سبب نیازهای مشترک و فطری است که در سلسله‌مراتبی از نیرومندترین تا ضعیف‌ترین نیازها قرار می‌گیرد. سلسله‌مراتب به طریق نردبانی پیش می‌رود (شولتز و شولتز، ۲۰۰۵؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۲). بر اساس این نظریه توجه به بسیاری از نیازها به وضعیت اقتصادی افراد و شغل آن‌ها ارتباط دارد؛ اما در پژوهش حاضر، شاغل بودن افراد با میزان خودپنداره آن‌ها ارتباط نداشت. با توجه به موارد ذکر شده، برخی از نظریه‌ها نظیر نظریه‌های راجرز، کوپراسمیت، اریکسون و آدلر به دلیل اعتقاد به ذاتی بودن بعضی ویژگی‌ها در انسان، نظیر اجتماعی بودن، هدف‌دار بودن و... بین زنان شاغل و غیر شاغل از نظر خودپنداره تفاوتی قائل نیستند، لذا این نظریه‌ها نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأیید فرض صفر و عدم تفاوت بین میانگین‌ها را تأیید

می‌کنند؛ اما نظریه برخی دیگر از نظریه‌پردازان نظیر مازلو معتقدند که ارضای بعضی نیازها به مسائل اقتصادی و کسب درآمد، بستگی دارد، اما در پژوهش حاضر، شاغل بودن افراد با میزان خودپنداره آن‌ها ارتباط نداشت. لذا نظریه مازلو فرضیه حاضر را تأیید نمی‌کند. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران دیگر، در پژوهش‌های آتی نقش متغیر فرهنگی را در میزان کیفیت زندگی دخیل دانسته و مسئله را در مقایسه با متغیرهای دیگر بررسی نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران دیگر، پژوهش‌هایی در بین جوامع آماری دیگر، مانند مردان، نوجوانان دختر و پسر، مشاغل سخت و... انجام دهند.

پیشنهاد می‌شود، سازمان‌های آموزشی و اجرایی که از نیروی زنان استفاده می‌کنند، به نتایج پژوهش حاضر توجه نموده و با در نظر گرفتن متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش، برای فعالیت زنان شاغل، برنامه‌ریزی نمایند.

منابع

- احمدی، سعید؛ سازواری، مولود. (۱۳۹۵). بررسی عزت نفس و نظریه‌های مربوط به آن (کلیات و مفاهیم)، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و مطالعات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- امیری، زینب و سعادی، زهرا افتخار. (۱۳۹۵). بررسی کمال‌گرایی و نظریه‌های مربوط به آن. اولین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی. تهران - ۱۳۹۵.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان تهران: انجمن اولیا و مربیان، چاپ هشتم. بیگدلو، محمد و میرزایی، صفی‌الله. (۱۳۹۵). جایگاه اعتماد به نفس از نظر روانشناسان و چگونگی تقویت آن در دانش‌آموزان. رویکرد های نوین در روانشناسی، ۱(۱)، ۹-۱.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۳). کتاب جامعه‌شناسی کار و شغل. تهران: سمت.
- حیاتی، مژگان و هیرو شریفی. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای میزان عزت نفس در زنان شاغل و خانه‌دار، کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامع روانشناسی ایران، تهران، موسسه برگزار کننده همایش‌های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان.
- رابینز، استیفن پی. (۱۳۹۲). مبانی رفتار سازمانی. ترجمه قاسم کبیری، فریبا نوری و مجید ناصر اشتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی.
- رضایی، لیلا. (۱۳۸۹). تأثیر میزان عزت نفس بر بهداشت روان زنان شاغل در کارخانه زیمنس شیراز و زنان غیر شاغل، فصلنامه تازه های روان شناسی صنعتی/ سازمانی، ۱(۳)، ۲۹-۱۹.
- رضایی، آذرمدخت و ساناز چراغی (۱۳۹۰). مقایسه خودپنداره و رضایت زناشویی در زنان شاغل و غیر شاغل، دومین همایش ملی روانشناسی - روانشناسی خانواده، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۲). وضعیت مطالعات خانواده در ایران، مجله علوم اجتماعی، ۴-۱۲.
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی. الن، (۲۰۰۵). نظریه شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۲). تهران: ویرایش.
- صفرزاده، سحر؛ مرعشیان، فاطمه سادات. (۱۳۹۳). رابطه تصویر ذهنی بدن، خودپنداره و عزت نفس با اختلالات تغذیه در دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۵(۱۹)، ۴۵-۵۹.
- فرهمند، مهناز؛ خاتمی سروی، خدیجه؛ محمدحسینی، رضیه. (۱۳۹۵). مقایسه سلامت اجتماعی، قدرت تصمیم گیری، مهارت های ارتباطی و عزت نفس در بین زنان شاغل و خانه دار شهر یزد. زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)، ۷(۲)، ۱۶۵-۱۴۷.
- کرامتی، معصومه و پاینده فر، شهناز. (۱۳۹۵). رابطه عزت نفس و تاب آوری با مؤلفه های خودپنداره بدنی دانش آموزان دارای ناتوانی. فصلنامه کودکان استثنایی، ۱۶(۴)، ۱۵-۲۵.
- مقصودی، سوده و بستان، زهرا. (۱۳۸۳). بررسی مشکلات ناشی از هم زمانی نقش های خانگی و اجتماعی زنان شاغل شهر کرمان. مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۲(۵)، ۹-۱.
- ملیحی الذاکرنی، سعید؛ خرازی افرا، محمد و اسمعیلی رادور، فرحناز. (۱۳۹۳). بررسی ابعاد هویت از دیدگاه نظریه های شخصیت، اولین کنفرانس بین المللی روان شناسی و علوم رفتاری. تهران: موسسه همایشگران مهر اشراق، مرکز همایش های دانشگاه تهران.
- نعامی، عبدالزهرا؛ شمس علیزاده، نسیم و عبدی، علی. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه آموزش مهارت جرات ورزی بر میزان کمرویی و خودپنداره کلی دختران نوجوان. زن و جامعه. جامعه شناسی زنان، ۷(۱)، ۱۹۹-۱۸۱.
- یارمحمدیان، احمد. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط خود پنداره و عزت نفس در دانشجویان خلاق و غیر خلاق. مجله مطالعات روان شناسی تربیتی، ۳(۴)، ۱۲۲-۱۰۹.
- Agrawal, P., Srivastava, A. (2016). A Study on Emotional Maturity and Self Esteem among Working and Non-Working Women: A Comparative Study. *International Journal of Multidisciplinary and Current Research*, 4, 343-347.
- Akram, M. (2017). Self-Esteem and Psychological Well-being among Working and Non-working Women. *The International Journal of Indian Psychology*, 5(1), 201-220. DIP: 18.01.077/20170501 DOI: 10.25215/0501.077
- Aparna, K.H., Aneesh, V. A. (2015). Emotional Maturity and Self-Esteem Among Employed and Non-Employed Women. *Ischolar*, 6(7), 13-19.
- Cherry, K. (2018). What Is Self-Concept and How Does It Form? *HISTORY AND BIOGRAPHIES*.
- Elmer, S. (2017). Self-concept and self-esteem among children and young adults with visual impairment: A systematic review. *Liv Berit Augestad*. Published online.
- Maqbool, M. (2014). A Comparative Study on Self-Concept of Employed and Unemployed Women. *Indian Streams Research Journal*, 4(8), 100-120.
- Mehrad, A. (2018). Mini Literature Review of Self-Concept. *Health and Quality of Life Outcomes*
- Merdin Uygur, E. (2018). How Does Self-Concept Clarity Influence Happiness in Social Settings? The Role of Strangers versus Friends (accepted for publication). *Health and Quality of Life Outcomes*.

- Switaj, P., Paweł, G., Anna, C., ... (2017). The relationship between internalized stigma and quality of life among people with mental illness: are self-esteem and sense of coherence sequential mediators? *Quality of Life*. September, 26(9), 2471-2478.
- Jahanbakhsh, S., Jomehri, F., & Mujembari, A. K. (2015). The Comparison of Women's Self Confidence in Base of Gender Role. *Social and Behavioral Sciences*, 191, 2285-2290.
- Jozefiak, T., Nanna, S., Kayed, I., Hanne, K., Greger, L., Wallander, L. (2017). Quality of life among adolescents living in residential youth care: do domain-specific self-esteem and psychopathology contribute? *Quality of Life Research*. 26(10), 2619–2631.
- Orth, U., Erol, R. Y., & Luciano, E. C. (2018). Development of self-esteem from age 4 to 94 years: A meta-analysis of longitudinal studies. *Psychological Bulletin*, 144(10), 1045-1080.
- Punam, M. (2015). Employment: An Indicator of Self-Esteem among Women. *German Journal of Psychiatry*, 9(3), 1.
- Yilmazer, E., Sayar, G.H. (2017). A COMPARATIVE STUDY OF EMPLOYED AND UNEMPLOYED MARRIED WOMEN IN THE CONTEXT OF MARITAL SATISFACTION, SELF-ESTEEM AND PSYCHOLOGICAL WELL-BEING. *The Journal of Neurobehavioral Sciences*.4, 66-78.
- Zeab, F. (2016). A Comparative study on self esteem of working and non-working women in Pakistan. *Journal of Law (COES&RJ-JLW)*, 1(1), 1-11.